



## The Role of Grandparents in the Repairing or Damaging of Attachment Security of Children of Avoidant Insecurely Attached: A Qualitative Study

Mahboobe Espeedkar<sup>1</sup>, Davood Manavipour<sup>2\*</sup>, Alireza Pirkhaefi<sup>3</sup>

1. PhD Student, Department of Educational Psychology, Garmsar Branch, Azad University, Garmsar, Iran.
2. Associate Professor, Department of Psychology, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran (Corresponding Author).
3. Associate Professor, Department of Psychology, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran.

❖ Corresponding Author Email: manavipor53@yahoo.com

### Journal Info:

Volume 2, Issue 4 Winter 2024  
Pages: 1-9

### Article Dates:

Receive: 2024/01/10  
Accept: 2024/03/12  
Published: 2024/04/07

### Keywords:

Grandparents, Repairing,  
Damaging, Attachment  
Security, Children, Avoidant  
Insecurely

The aim of this study was investigate the role of grandparents in the repairing or damaging of attachment security of avoidant insecure attached children. The present study was in terms of purpose applied and in terms of implementation method was qualitative. The research population was educators and children of center of intellectual development of children and adolescents of Tehran city, which from them 8 educators and 100 children were selected as a sample according to the principle of theoretical saturation and with the purposeful sampling method. The educators were subjected to a semi-structured interview and the children answered to the questionnaire of attachment styles classification and researcher-made questionnaire of mental representations of attachment relationships in middle childhood. The data of this study were analyzed by thematic analysis and frequency and frequency percentage methods. The results of thematic analysis showed that for attachment security of avoidant insecure attached children were identified 6 dimensions and 10 components; So that the dimensions were included of form of expression of feelings (with two components of normalization of the event and indifference or doubt), form of physical emotions (with one component of separating the feeling from the event), coherence in expression (with two components of shortness of expression and avoiding accountability), interaction with person (with one component of recklessness along with sensory detachment), form of expression of event (with one component of generalization and brevity) and facing whit the conflict (with three components of avoiding the event or escaping from the situation, open ending/making up and focusing on the consequences of the decision instead of understanding the problem). The results of frequency and frequency percentage indicated the examination of the mentioned 10 components based on 7 narratives including guests, keys, stores, strangers, paintings, bullies and picnics, which showed that grandparents played a small role in repairing or damaging of attachment security of avoidant insecure attached children. Therefore, by providing appropriate and practical training workshops can be improved the role of grandparents in the repairing of attachment security of avoidant insecure attached children.

### Article Cite:

Espeedkar M, Manavipour D, Pirkhaefi A. (2024). The Role of Grandparents in the Repairing or Damaging of Attachment Security of Children of Avoidant Insecurely Attached: A Qualitative Study, *Psychological Dynamics in Mood Disorders*; 2(4): 1-9



[10.22034/pdmd.2024.444520.1049](https://doi.org/10.22034/pdmd.2024.444520.1049)



Creative Commons: CC BY 4.0



## نقش پدربزرگ و مادربزرگ در ترمیم یا آسیب امنیت دلبستگی کودکان دلبسته نایمن اجتنابی:

## یک مطالعه کیفی

محبوبه اسپیدکار<sup>۱</sup>، داود معنوی پور<sup>۲\*</sup>، علیرضا پیرخانفی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی تربیتی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران.
۲. دانشیار، گروه روانشناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران (نویسنده مسئول).
۳. دانشیار، گروه روانشناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران.

✦ ایمیل نویسنده مسئول: manavipor53@yahoo.com

## اطلاعات نشریه:

دوره ۲، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۲  
صفحات: ۹-۱

## تاریخ های مقاله:

دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۲  
پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲  
انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۱۹

## واژگان کلیدی:

پدربزرگ و مادربزرگ، ترمیم، آسیب، امنیت دلبستگی، کودکان، نایمن اجتنابی

هدف این مطالعه، بررسی نقش پدربزرگ و مادربزرگ در ترمیم یا آسیب امنیت دلبستگی کودکان دلبسته نایمن اجتنابی بود. مطالعه حاضر، از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا کیفی بود. جامعه پژوهش مریبان و کودکان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شهر تهران بودند که از میان آنها تعداد ۸ نفر از مریبان و ۱۰۰ نفر از کودکان طبق اصل اشباع نظری و با روش نمونه‌گیری هدفمند به‌عنوان نمونه انتخاب شد. مریبان تحت مصاحبه نیمه‌ساختاریافته قرار گرفتند و کودکان به پرسشنامه طبقه‌بندی سبک‌های دلبستگی و پرسشنامه محقق‌ساخته بازنمایی‌های ذهنی روابط دلبستگی در کودکی میانه پاسخ دادند. داده‌های این مطالعه با روش‌های تحلیل مضمون و فراوانی و درصد فراوانی تحلیل شدند. نتایج تحلیل مضمون نشان داد که برای امنیت دلبستگی کودکان دلبسته نایمن اجتنابی ۶ بعد و ۱۰ مولفه شناسایی شد؛ به‌طوری که ابعاد شامل شکل بیان احساس‌ها (با دو مولفه عادی‌سازی واقعه و بی‌تفاوتی یا تردید)، شکل هیجان‌های بدنی (با یک مولفه جداکردن حس از واقعه)، انسجام در بیان (با دو مولفه کوتاهی بیان و طفره رفتن از پاسخگویی)، تعامل با فرد (با یک مولفه بی‌احتیاطی به همراه جدایی حسی)، شکل بیان واقعه (با یک مولفه کلی‌گویی و ایجاز) و مواجهه با تعارض (با سه مولفه اجتناب از واقعه یا فرار از موقعیت، پایان‌بندی باز/ سرهم‌بندی و تمرکز بر عواقب تصمیم به جای فهم مسئله) بود. نتایج فراوانی و درصد فراوانی حاکی از بررسی ۱۰ مولفه مذکور بر اساس ۷ روایت شامل مهمان، کلید، فروشگاه، غریبه، نقاشی، قلدرها و پیکنیک بود که نشان دادند که پدربزرگ و مادربزرگ در ترمیم یا آسیب امنیت دلبستگی کودکان دلبسته نایمن اجتنابی نقش اندکی داشتند. بنابراین، با ارائه کارگاه‌های آموزشی مناسب و کاربردی می‌توان نقش پدربزرگ و مادربزرگ را در ترمیم امنیت دلبستگی کودکان دلبسته نایمن اجتنابی بهبود بخشید.

## استناد به مقاله:

اسپیدکار م، معنوی پور د، پیرخانفی ع. (۱۴۰۲). نقش پدربزرگ و مادربزرگ در ترمیم یا آسیب امنیت دلبستگی کودکان دلبسته نایمن اجتنابی: یک مطالعه کیفی. پویایی روانشناختی در اختلالات خلقی (۴): ۹-۱



## مقدمه

خانواده مرکز اصلی رشد و پرورش کودکان است و نقش خانواده در شخصیت کودکان بسیار مهم و حیاتی می‌باشد و این مرحله یکی از مراحل بسیار مهمی است که شخصیت کودکان پایه‌ریزی می‌شود و شکل می‌گیرد و زمینه بروز اختلال و ناسازگاری و سلامت و سازگاری وابسته به این دوره می‌باشد (تجلی، باصری و اسدزاده، ۱۴۰۲). سال‌های اولیه زندگی بسیار حائز اهمیت است. زیرا آنچه که در اوایل دوران کودکی اتفاق می‌افتد در سراسر عمر تاثیرگذار خواهد بود و شکست‌ها و موفقیت‌های دوران بزرگسالی به سال‌های اولیه زندگی بستگی دارد (علیزاده، جان‌بابایی و صاحبی، ۱۴۰۲). دوران کودکی یکی از مهم‌ترین دوران زندگی هر شخصی است و گاهی کودکان به دلیل شرایط دشوار زندگی در معرض آسیب‌ها و پیامدهای نامطلوب قرار می‌گیرند (جمالی، کافی، ابوالقاسمی و اکبری، ۱۴۰۲). هنگامی که صحبت از نیازهای انسان می‌شود، پس از نیازهای بیولوژیکی، نیاز به امنیت مطرح می‌شود تا انسان در سایه آن بتواند استعدادهای بالقوه خود را شکوفا سازد و خود را پرورش دهد (مایرسون، توماس، رافینو، نور و پاتریکوئین، ۲۰۲۳). یکی از مفاهیم بسیار مهم و وابسته به نیازهای انسان، مفهوم دلبستگی است که ریشه در نیاز انسان به مراقبت، نگهداری، نوازش، صمیمیت و تعلق خاطر دارد؛ به طوری که دلبستگی در صورت دسترسی به یک مراقبت پاسخگو و برخوردار از ظرفیت عاطفی بالا به شکل مناسبی شکل می‌گیرد (دونسی و همکاران، ۲۰۲۲). دلبستگی پیوندی عمیق و عاطفی با افراد خاصی است که نقش موثری در رشد ابعاد مختلف شخصیت دارند و نحوه شکل‌گیری آن به نوع رابطه مادر یا مراقب با کودک در سال‌های اولیه زندگی، میزان دسترسی مادر یا مراقب، میزان حمایت آنها در مواقع خطر برای کودک، حساسیت آنها و امنیت کودک بستگی دارد (ملک‌زاده، نامور و جمهری، ۲۰۲۰). دلبستگی یک نیاز اولیه است که از هیچ نیاز دیگری مشتق نشده است و نقش مهمی در رشد و تحول شخصیت دارد. امنیتی که به وسیله دلبستگی ایجاد می‌شود، مهم‌ترین ویژگی روابط در سراسر زندگی و رابطه اولیه الگویی برای روابط اجتماعی آینده می‌باشد (هاندلزالتس، لوی، مولمن-لیچتر، آبرز، کریسی، ویزنیتزر و پلد، ۲۰۲۱). دلبستگی یکی از عوامل موثر در ایجاد ارتباط با دیگران است و هرگونه آشفتگی یا آسیب بر روابط مادر یا مراقب و کودک باعث تاثیر بر آن می‌شود و روی روابط بعدی فرد تاثیر می‌گذارد (اخلاصی، صبحی قراملکی و تاجری، ۱۴۰۱).

نظریه دلبستگی را بالبی<sup>۱</sup> (۱۹۶۹) مطرح ساخت که ریشه در پیوند عاطفی اولیه کودک با مادر یا مراقب اصلی دارد. به عبارت دیگر، زمانی که کودک از مهر، محبت، نوازش‌ها و لبخندهای مستمر مادر به‌ویژه در سنین اولیه برخوردار شود، این احساس عمیق در او شکل می‌گیرد که دنیا جای امنی است و می‌تواند به دیگران اعتماد کند و از حمایت‌های آنان برخوردار گردد (فاچس و تیوبرن، ۲۰۱۹). نظریه امنیت دلبستگی ریشه در پیوند هیجانی اولیه کودک و مادر یا مراقب دارد و این امنیت در نتیجه تغذیه مناسب و محبت مطلوب مادر یا مراقب در کودک شکل می‌گیرد (مک‌ماهون، کریون و گالاگر، ۲۰۲۱). دلبستگی یا امنیت دلبستگی<sup>۲</sup> یک دفعه شکل نمی‌گیرد، بلکه طی یک فرآیند متوالی چهار مرحله‌ای محقق می‌شود. مرحله اول، مرحله پیش دلبستگی است که در این مرحله کودکان با واکنش‌هایی مانند لبخند زدن، گریه کردن و چنگ زدن با دیگران از جمله مادر ارتباط برقرار می‌کنند و آنان هنوز به مادر خود دلبستگی پیدا نکردند. زیرا آنان به راحتی در کنار یک فرد غریبه احساس آرامش پیدا می‌کنند. مرحله دوم، مرحله شروع دلبستگی است که در این مرحله کودکان به تدریج بین مادر یا مراقب خود و غریبه فرق قائل می‌شوند، اما این تشخیص چندان دقیق نیست. مرحله سوم، مرحله دلبستگی است که در این مرحله کودکان هنگام جدایی از مادر یا مراقب خود دچار نوعی اضطراب می‌شوند که آن را اضطراب جدایی می‌نامند. بنابراین، با جدایی مادر و مراقب حداقل برای مدتی دچار ترس می‌شوند و به همین دلیل شروع به بی‌قراری و گریه می‌کنند. مرحله چهارم، مرحله تشکیل رابطه متقابل است که در این مرحله به دلیل حضور عاطفی مادر یا مراقب، احساس دلبستگی شکل می‌گیرد و کودک وارد مرحله رابطه متقابل می‌شود. در این مرحله کودک به واسطه اعتماد و اطمینانی که در او شکل گرفته است با دیگران ارتباط برقرار می‌کند و به هنگام جدایی موقت از مادر دچار ترس، دلهره و ناامنی نمی‌شود (ژانگ، دنگ، ران، تانگ، ژو، ما و چن، ۲۰۱۸).

گاهی عدم حمایت مناسب در خانواده باعث می‌شود که کودک احساس ناامنی و بی‌ارزشی کند و دلبستگی نایمن در کودک باعث وابستگی بیش از حد به مادر و سایر مراقبان شده و سبب افزایش بروز اختلال‌های اضطرابی می‌گردد (گودرزی، مسعود لواسانی و امیری‌مجد، ۲۰۲۱). اینکه افراد چگونه به موقعیت‌ها پاسخ می‌دهند به سبک‌های دلبستگی آنها بستگی دارد و داشتن سبک دلبستگی نایمن برخلاف داشتن سبک دلبستگی ایمن افراد را به این سمت می‌کشاند که در روابط خود به صورت منفی و نامناسب عمل نمایند و از خود رفتارهای ناسازگار و مخرب نشان دهند (کاسیولی، روسی،

1. Myerson, Thomas, Rufino, Noor & Patriquin
2. attachment
3. Donisi
4. Handzelalts, Levy, Molmen-Lichter, Ayers, Krissi, Wiznitzer & Peled
5. Bowlby
6. Fuchs & Taubner
7. McMahan, Creaven & Gallagher
8. secure attachment
9. Zhang, Deng, Ran, Tang, Xu, Ma & Chen

ویزوتو، مالینکونی، واگنوزی، ریکا و کاستیلینی، ۲۰۲۳). به طور کلی سه سبک دلبستگی شامل دلبستگی ایمن، دلبستگی ناایمن اجتنابی<sup>۱</sup> و دلبستگی ناایمن دوسوگرا<sup>۲</sup> وجود دارد. افراد ایمن نگرش مثبتی نسبت به خود و دیگران دارند، در روابط خود متعهد هستند، در روابط با دیگران احساس راحتی می کنند و کمتر وابسته به دیگران می باشند. افراد ناایمن اجتنابی از صمیمیت با دیگران می ترسند، تمایلی به نزدیکی عاطفی با دیگران ندارند، سعی می کنند از صمیمیت با دیگران اجتناب کنند، احساس و افکار آسیب پذیری خود را انکار می کنند و معتقدند که نیازی به روابط با دیگران ندارند. افراد ناایمن دوسوگرا در احساس ها و روابط با دیگران نامتعادل هستند، نگرش مثبت کمتری نسبت به خود یا دیگران دارند، اغلب از مشغله های ذهنی در روابط رنج می برند و بین تمایل به داشتن روابط نزدیک و صمیمی با دیگران و احساس ناامنی درباره پاسخ های نامناسب دچار تضاد هستند و همواره توسط دیگران طرد می شوند (دی وایت، کارور- نیبرگ، دی هان و اسپیرمیک، ۲۰۲۳). در افراد با دلبستگی ناایمن، سیستم دلبستگی یا بیش از حد فعال و منجر به رفتارهای اغراق آمیز برای جلوگیری از خطر یا تهدید به جدایی و فقدان می شود و یا بسیار ضعیف عمل کرده و منجر به شکل گیری رفتارهای اجتنابی و سرکوبی هیجان ها و نیازهای دلبستگی می شود (الینگ<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۲۲). سبک های دلبستگی ناایمن نتیجه تجربه های فقدان یا نوسان زیاد در رابطه با مادر یا مراقب اصلی است؛ به طوری که دلبستگی ناایمن اجتنابی نتیجه نوعی تجربه عدم دسترسی می باشد که می توان بروز آن را در اختلال های روانشناختی مشاهده کرد (تامان<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۲۱). افراد با سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی به سرکوب عواطف و عدم استفاده از منابع حمایتی تمایل نشان می دهند و دارای زمینه های بروز آسیب های روانشناختی مانند اضطراب و افسردگی می باشند (هریرو- فرناندز، ریدوندو، پارادا- هرناندز، الیوا- ماسیاس و راهور، ۲۰۲۰).

پژوهش هایی درباره امنیت دلبستگی و پیامدهای آن انجام شده است. برای مثال دینیالت، بوریو و یوکوسکی<sup>۵</sup> (۲۰۲۲) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که دلبستگی کنترل- مراقبتی کودک- پدر توانست کاهش رفتارهای بیرونی را پیش بینی کند. همچنین، دلبستگی ناایمن کودک- پدر و کودک- مادر توانست سازگاری اجتماعی- عاطفی بعدی را پیش بینی نماید. در پژوهشی دیگر تاباخنیک، هی، زاجاک، کارلسون و دوزیئر<sup>۶</sup> (۲۰۲۲) گزارش کردند کودکانی که در دوران نوزادی به عنوان دلبستگی ایمن طبقه بندی شدند دارای عاطفه ناسازگار کمتری بودند. همچنین، سیاه منصوری و یولداشف (۱۴۰۰) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که سبک های دلبستگی اضطرابی و اجتنابی با سازگاری اجتماعی همبستگی معنادار منفی داشت و توانستند سازگاری اجتماعی را پیش بینی نمایند.

درباره اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر می توان گفت که از یک سو دلبستگی در دوران کودکی نقش مهمی در روابط آتی کودکان دارد و از سوی دیگر پژوهشی درباره نقش پدر بزرگ و مادر بزرگ بر دلبستگی کودکان به ویژه در ترمیم یا آسیب امنیت دلبستگی کودکان یافت نشد. با توجه به نقش پدر بزرگ و مادر بزرگ در تربیت فرزندان و نقش احتمالی آنها در تربیت نوه ها لازم است که پژوهش های بیشتری در این زمینه انجام شود. پژوهش درباره نقش احتمالی پدر بزرگ و مادر بزرگ در دلبستگی می تواند تاثیر عمیق و گسترده ای بر سلامت کودکان یا آسیب پذیری آنها داشته باشد. بنابراین، هدف این مطالعه، بررسی نقش پدر بزرگ و مادر بزرگ در ترمیم یا آسیب امنیت دلبستگی کودکان دلبسته ناایمن اجتنابی بود.

## روش شناسی

مطالعه حاضر، از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا کیفی بود. جامعه پژوهش مربیان و کودکان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شهر تهران بودند که از میان آنها تعداد ۸ نفر از مربیان و ۱۰۰ نفر از کودکان طبق اصل اشباع نظری و با روش نمونه گیری هدفمند به عنوان نمونه انتخاب شد. برای این منظور از میان کل اعضای کانون با توجه به پروفایل ثبت نامی کودکان در مرکز و تماس با والدین ۱۲۰ کودک در چهار مرکز کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در شرق، غرب، مرکز و جنوب تهران با شرایط زیر به عنوان نمونه انتخاب شدند. از آنجایی که برای کدگذاری داده ها، ضبط صدا و تصویر از نمونه ها ضروری بود و باید روند قانونی و اخلاقی به والدین اطلاع رسانی می شد، بعد از صحبت با والدین و توصیف فرآیند ارزیابی تعداد ۱۸ نفر از والدین از شرکت کودکان خود در پژوهش انصراف دادند و در فرآیند ارزیابی و مراحل اجرای مجدد تعداد ۲ نفر دیگر از پژوهش انصراف دادند و خارج شدند. در نهایت، حجم نمونه ۱۰۰ نفر از کودکان ۷ تا ۹ ساله بودند که در چهار بازه زمانی در ماه های آبان و آذر سال ۱۳۹۷، تیر و مرداد سال ۱۳۹۸، آبان و آذر سال ۱۳۹۸ و مرداد و شهریور سال ۱۳۹۹ مورد پژوهش قرار گرفتند. لازم به ذکر است که شرایط انتخاب نمونه ها شامل داشتن سن ۷ تا ۹ سال، زندگی همراه با پدر و مادر، داشتن حداقل یک پدر بزرگ و یک مادر بزرگ (پدري یا مادري)، داشتن حداقل یک خواهر و یک برادر، قبول ضبط مصاحبه ها و تمایل جهت شرکت در پژوهش بودند.

1 . Cassioli, Rossi, Vizzotto, Malinconci, Vignozzi, Ricca & Castellini

1 . avoidant secure attachment 1

1 . ambivalent secure attachment 2

1 . De With, Korver-Nieberg, De Haan & Schirmbeck 3

1 . Elling 4

1 . Tamman 5

1 . Herrero-Fernandez, Redondo, Parada-Fernandez, Olivá-Macias & Rohwer

1 . Deneault, Bureau & Yurkowski 7

1 . Tabachnick, He, Zajac, Carlson & Dozier 8

ابزار پژوهش حاضر مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود؛ به طوری که مریبان تحت مصاحبه نیمه‌ساختاریافته قرار گرفتند و کودکان به پرسشنامه طبقه‌بندی سبک‌های دلبستگی<sup>۹</sup> و پرسشنامه محقق‌ساخته بازنمایی‌های ذهنی روابط دلبستگی در کودکی میانه‌پاسخ دادند. پرسشنامه طبقه‌بندی سبک‌های دلبستگی اولین ابزار بود که توسط فینزی-دوتان، کوهن، ایوانیک، ساپیر و ویزمن (۲۰۰۶) برای کودکان ۷ تا ۱۴ ساله با هدف سنجش سبک‌های دلبستگی کودکان شامل سه سطح دلبستگی ایمن، نایمن اجتنابی و نایمن دوسوگرا-اضطرابی طراحی شده است. این ابزار دارای ۱۵ گویه می‌باشد که بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملاً صحیح (۱) تا کاملاً غلط (۵) نمره‌گذاری می‌شود. سبک‌های دلبستگی ایمن (شامل ۵ گویه ۱، ۳، ۷، ۱۰ و ۱۵)، نایمن اجتنابی (شامل ۵ گویه ۲، ۴، ۸، ۱۲ و ۱۳) و نایمن دوسوگرا-اضطرابی (شامل ۵ گویه ۵، ۶، ۹، ۱۱ و ۱۴) دارای روایی سازه مناسب و پایایی باآزمایی دوهفته‌ای بین ۰/۸۷ تا ۰/۹۵ است. در ایران، نوروزی و احمدی (۱۴۰۱) پایایی را با روش آلفای کرونباخ برای سه سطح دلبستگی ایمن، نایمن اجتنابی و نایمن دوسوگرا-اضطرابی به ترتیب ۰/۵۴، ۰/۶۵ و ۰/۵۳ گزارش کردند. همچنین، پرسشنامه محقق‌ساخته بازنمایی‌های ذهنی روابط دلبستگی در کودکی میانه دومین ابزار بود که طی مراحل زیر ساخته شد. در مرحله اول، گروهی ۸ نفری از مریبان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با حداقل ۱۵ سال سابقه کار مستقیم با این گروه سنی و مسلط به قصه‌گویی برای کودکان انتخاب و از آنها درباره موقعیت‌های استرس‌زا برای کودکان در خانه و محیط آموزشی نظرخواهی شد. پس از بحث و گفتگو ۲۸ موقعیت پیشنهاد شد و بر اساس این موقعیت‌ها و مضامین، داستان‌هایی کوتاه پیش‌بینی شد. هر داستان به مسئله‌ای با مضامین روزمره که اتفاق افتادن آن در زندگی یک کودک دبستانی محتمل است، اختصاص داشت. برای مثال تعارض در وفاداری بین برادر یا خواهر و مادر، تنبیه و نظم، جراحات جزئی، سرپیچی از قوانین، مورد تهدید واقع شدن، تنش در روابط خانوادگی و روابط درون مدرسه‌ای. در مرحله دوم، این داستان‌ها برای ۵۰ نفر از کودکان در مراکز کانون که در آزمون دلبستگی اول شرکت نداشتند به صورت قصه‌گویی ارائه و از آنها خواسته شد تا به هر کدام از داستان‌ها از نظر استرس‌زا بودن موقعیت و داشتن تجربه شخصی یا شنیداری راجع به موقعیت مشابه از یک تا پنج نمره دهند و در نهایت، از میان داستان‌های گفته‌شده تعداد ۷ داستان که بالاترین فراوانی از نظر ارزیابی شدت استرس و داشتن تجربه را به خود اختصاص دادند، انتخاب شدند. در مرحله سوم، برای داستان اول سه سبک تصویرگری واقع‌گرایانه، شخصیت‌های حیوانی و نیمه‌واقع‌گرایانه توسط تصویرگر کتاب کودکان طراحی شد. جهت جلوگیری از هرگونه تلقین بار هیجانی و عاطفی از طریق رنگ‌ها، تصاویر به صورت سیاه و سفید طراحی شد. همچنین، تصاویر به ۳۳ نفر از ۵۰ نفری که قصه‌ها را شنیده بودند نشان داده شد و از آنها خواسته شد تا بگویند اگر قرار باشد این داستان به کتاب تبدیل شود به نظر آنها تصاویر قصه بیشتر شبیه کدام یک از تصاویر است؟ بر اساس فراوانی نظرها، سبک تصاویر انتخاب و تصویرگر برای ۷ داستان تصویرها را با همکاری محقق طراحی کردند. در مرحله چهارم، جهت روایی صوری داستان‌ها، تصاویر و داستان‌ها توسط دو نفر از متخصصین سنجش و ارزشیابی آزمون‌های فرافکن بررسی و مورد تایید قرار گرفت. در مرحله پنجم، ملاک‌های محتوایی بر اساس کدگذاری دو گروه ملاک اصلی ثبت و از طریق نحوه تکمیل و روند ادامه بدنه هر داستان توسط کودک و عملکرد کلامی و غیر کلامی و تاثیرهای آن در سراسر ارزشیابی به کدهای رفتاری تبدیل شد.

روند اجرای پژوهش به این شرح بود که پس از هماهنگی با مسئولان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شهر تهران با والدین کودکان دارای شرایط پژوهش ذکر شده در بالا هماهنگی لازم به عمل آمد و سپس مریبان این کودکان تحت مصاحبه قرار گرفتند و کودکان نیز به پرسشنامه طبقه‌بندی سبک‌های دلبستگی فینزی-دوتان و همکاران (۲۰۰۶) جهت شناسایی به‌عنوان کودکان نایمن اجتنابی و پرسشنامه محقق‌ساخته بازنمایی‌های ذهنی روابط دلبستگی در کودکی میانه پاسخ دادند. لازم به ذکر است که اصول اخلاقی جهت شرکت در پژوهش رعایت شد و موافقت نمونه‌های برای این منظور اخذ گردید. در نهایت، از نمونه‌های پژوهش حاضر تقدیر و تشکر به عمل آمد و درباره نحوه اطلاع‌رسانی از نتایج هماهنگی لازم صورت پذیرفت و داده‌های این مطالعه با روش‌های تحلیل مضمون و فراوانی و درصد فراوانی تحلیل شدند.

## یافته‌ها

در این مطالعه به دلیل توضیح روند و شرایط پژوهش حاضر و گرفتن رضایت‌نامه شرکت در مطالعه، ریزشی در نمونه‌های این پژوهش اتفاق نیفتاد. نتایج تحلیل مضمون برای شناسایی ابعاد و مولفه‌های امنیت دلبستگی کودکان دلبسته نایمن اجتنابی در جدول ۱ گزارش شد.

1 . questionnaire of attachment styles classification 9

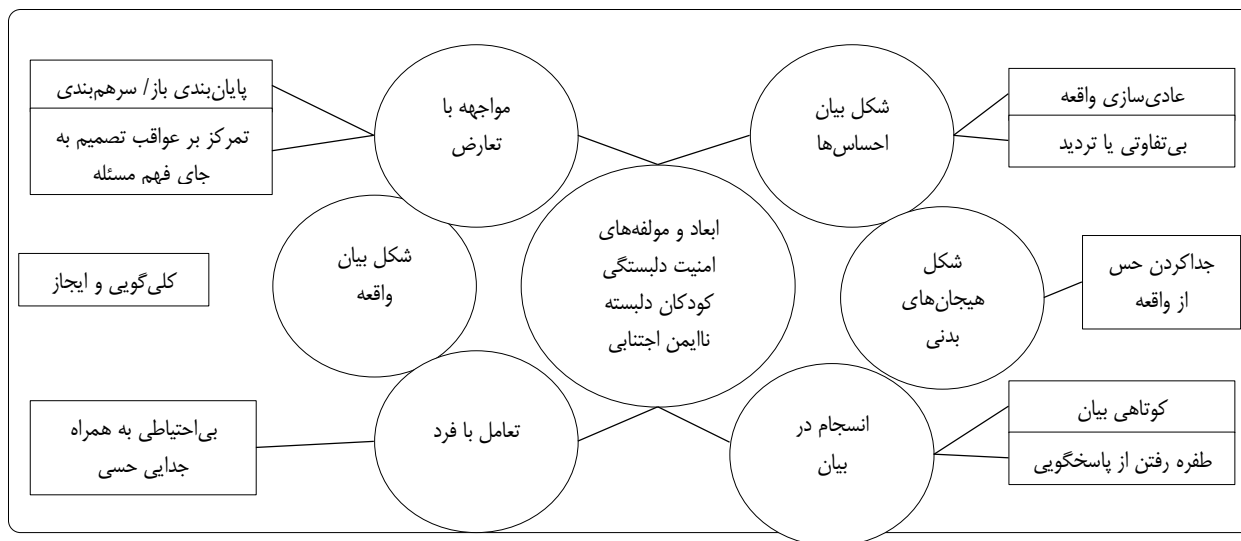
2 . researcher-made questionnaire of mental representations of attachment relationships in middle childhood

2 . Finzi-Dottan, Cohen, Iwaniec, Sapir & Weizman 1

جدول ۱. نتایج تحلیل مضمون برای شناسایی ابعاد و مولفه‌های امنیت دلبستگی کودکان دلبسته نایمن اجتنابی

مولفه	بعد
عادی‌سازی واقعه	شکل بیان احساس‌ها
بی تفاوتی یا تردید	
جداکردن حس از واقعه	شکل هیجان‌های بدنی
کوتاهی بیان	انسجام در بیان
طفره رفتن از پاسخگویی	
بی احتیاطی به همراه جدایی حسی	تعامل با فرد
کلی‌گویی و ایجاز	شکل بیان واقعه
اجتناب از واقعه یا فرار از موقعیت	مواجهه با تعارض
پایان‌بندی باز / سرهم‌بندی	
تمرکز بر عواقب تصمیم به جای فهم مسئله	

نتایج تحلیل مضمون گزارش شده در جدول ۱ نشان داد که برای امنیت دلبستگی کودکان دلبسته نایمن اجتنابی ۶ بعد و ۱۰ مولفه شناسایی شد؛ به طوری که ابعاد شامل شکل بیان احساس‌ها (با دو مولفه عادی‌سازی واقعه و بی تفاوتی یا تردید)، شکل هیجان‌های بدنی (با یک مولفه جداکردن حس از واقعه)، انسجام در بیان (با دو مولفه کوتاهی بیان و طفره رفتن از پاسخگویی)، تعامل با فرد (با یک مولفه بی احتیاطی به همراه جدایی حسی)، شکل بیان واقعه (با یک مولفه کلی‌گویی و ایجاز) و مواجهه با تعارض (با سه مولفه اجتناب از واقعه یا فرار از موقعیت، پایان‌بندی باز / سرهم‌بندی و تمرکز بر عواقب تصمیم به جای فهم مسئله) بود. بنابراین، الگوی ابعاد و مولفه‌های امنیت دلبستگی کودکان دلبسته نایمن اجتنابی در شکل ۱ گزارش شد.



شکل ۱. الگوی ابعاد و مولفه‌های امنیت دلبستگی کودکان دلبسته نایمن اجتنابی

در شکل ۱ الگوی ابعاد و مولفه‌های امنیت دلبستگی کودکان دلبسته نایمن اجتنابی قابل مشاهده است. نتایج فراوانی و درصد فراوانی نقش پدر بزرگ و مادر بزرگ در ترمیم یا آسیب مولفه‌های امنیت دلبستگی کودکان دلبسته نایمن اجتنابی در جدول ۲ گزارش شد.

جدول ۲. نتایج فراوانی و درصد فراوانی نقش پدربزرگ و مادربزرگ در ترمیم یا آسیب مولفه‌های امنیت دل بستگی کودکان دل بسته نایمن اجتنابی

میانگین	روایت							آماره	مولفه	بعد
	پیکنیک	قلدرها	نقاشی	غریبه	فروشگاه	کلید	مهمان			
۱۶	۱۷	۱۳	۱۸	۱۷	۱۵	۱۷	۱۵	فراوانی	عادی سازی واقعه	شکل بیان احساس‌ها
۷۲/۷۰	۷۷/۳۰	۵۹/۱۰	۸۱/۸۰	۷۷/۳۰	۶۸/۲۰	۷۷/۳۰	۶۸/۲۰	درصد		
۱۶	۱۵	۱۳	۱۸	۱۳	۱۶	۱۷	۱۷	فراوانی	بی تفاوتی یا تردید	شکل هیجان‌های بدنی
۷۲/۷۰	۶۸/۲۰	۵۹/۱۰	۸۱/۸۰	۵۹/۱۰	۷۲/۷۰	۷۷/۳۰	۷۷/۳۰	درصد		
۲۰	۲۰	۲۱	۲۱	۱۷	۱۹	۲۰	۲۱	فراوانی	جدا کردن حس از واقعه	انسجام در بیان
۹۰/۹۰	۹۰/۹۰	۹۵/۵۰	۹۵/۵۰	۷۷/۳۰	۸۶/۴۰	۹۰/۹۰	۹۵/۵۰	درصد		
۱۹	۲۱	۲۱	۱۹	۱۵	۱۹	۲۰	۲۰	فراوانی	کوتاهی بیان	تعامل با فرد
۸۶/۴۰	۹۵/۵۰	۹۵/۵۰	۸۶/۴۰	۶۸/۲۰	۸۶/۴۰	۹۰/۹۰	۹۰/۹۰	درصد		
۱۶	۱۶	۱۷	۱۹	۱۳	۱۵	۱۵	۱۹	فراوانی	طرفه رفتن از پاسخگویی	شکل بیان واقعه
۷۲/۷۰	۷۲/۷۰	۷۷/۳۰	۸۶/۴۰	۵۹/۱۰	۶۸/۲۰	۶۸/۲۰	۸۶/۴۰	درصد		
۱۳	۱۱	۱۶	۲۰	۱۱	۱۵	۱۸	۶	فراوانی	بی احتیاطی به همراه جدایی حسی	شکل بیان واقعه
۵۹/۱۰	۵۰/۰۰	۷۲/۷۰	۹۰/۹۰	۵۰/۰۰	۶۸/۲۰	۸۱/۸۰	۲۷/۳۰	درصد		
۱۹	۲۱	۲۰	۱۷	۱۶	۱۷	۲۰	۲۰	فراوانی	کلی گویی و ایجاز	مواجهه با تعارض
۸۶/۴۰	۹۵/۵۰	۹۰/۹۰	۷۷/۳۰	۷۲/۷۰	۷۷/۳۰	۹۰/۹۰	۹۰/۹۰	درصد		
۱۵	۱۵	۱۶	۱۹	۶	۱۵	۱۵	۱۸	فراوانی	اجتناب از واقعه یا فرار از موقعیت	مواجهه با تعارض
۶۸/۲۰	۶۸/۲۰	۷۲/۷۰	۸۶/۴۰	۲۷/۳۰	۶۸/۲۰	۶۸/۲۰	۸۱/۸۰	درصد		
۱۷	۱۶	۱۷	۲۰	۱۱	۱۸	۱۸	۲۰	فراوانی	پایان بندی باز / سرهم بندی	تعمیر بر عواقب تصمیم به جای فهم مسئله
۷۷/۳۰	۷۲/۷۰	۷۷/۳۰	۹۰/۹۰	۵۰/۰۰	۸۱/۸۰	۸۱/۸۰	۹۰/۹۰	درصد		
۱۸	۱۸	۲۱	۲۰	۶	۲۰	۲۰	۲۱	فراوانی	تمرکز بر عواقب تصمیم به جای فهم مسئله	
۸۱/۸۰	۸۱/۸۰	۹۵/۵۰	۹۰/۹۰	۲۷/۳۰	۹۰/۹۰	۹۰/۹۰	۹۵/۵۰	درصد		

نتایج فراوانی و درصد فراوانی گزارش شده در جدول ۲ حاکی از بررسی ۱۰ مولفه مذکور بر اساس ۷ روایت شامل مهمان، کلید، فروشگاه، غریبه، نقاشی، قلدرها و پیکنیک بود که نشان دادند که پدربزرگ و مادربزرگ در ترمیم یا آسیب امنیت دل بستگی کودکان دل بسته نایمن اجتنابی نقش اندکی داشتند.

### نتیجه گیری

با توجه به نقش احتمالی پدربزرگ و مادربزرگ در دل بستگی کودکان، هدف این مطالعه، بررسی نقش پدربزرگ و مادربزرگ در ترمیم یا آسیب امنیت دل بستگی کودکان دل بسته نایمن اجتنابی بود.

در این مطالعه، نتایج تحلیل مضمون نشان داد که برای امنیت دل بستگی کودکان دل بسته نایمن اجتنابی ۶ بعد و ۱۰ مولفه شناسایی شد؛ به طوری که ابعاد شامل شکل بیان احساس‌ها (با دو مولفه عادی سازی واقعه و بی تفاوتی یا تردید)، شکل هیجان‌های بدنی (با یک مولفه جدا کردن حس از واقعه)، انسجام در بیان (با دو مولفه کوتاهی بیان و طرفه رفتن از پاسخگویی)، تعامل با فرد (با یک مولفه بی احتیاطی به همراه جدایی حسی)، شکل بیان واقعه (با یک مولفه کلی گویی و ایجاز) و مواجهه با تعارض (با سه مولفه اجتناب از واقعه یا فرار از موقعیت، پایان بندی باز / سرهم بندی و تمرکز بر عواقب تصمیم به جای فهم مسئله) بود. نتایج فراوانی و درصد فراوانی حاکی از بررسی ۱۰ مولفه مذکور بر اساس ۷ روایت شامل مهمان، کلید، فروشگاه، غریبه، نقاشی، قلدرها و پیکنیک بود که نشان دادند که پدربزرگ و مادربزرگ در ترمیم یا آسیب امنیت دل بستگی کودکان دل بسته نایمن اجتنابی نقش اندکی داشتند. بنابراین، با ارائه کارگاه‌های آموزشی مناسب و کاربردی می‌توان نقش پدربزرگ و مادربزرگ را در ترمیم امنیت دل بستگی کودکان دل بسته نایمن اجتنابی بهبود بخشید. یافته‌های این مطالعه از جهاتی با یافته‌های مطالعه‌های دینالت و همکاران (۲۰۲۲)، تاباخنیک و همکاران (۲۰۲۲) و سیاه‌منصوری و بولداف (۱۴۰۰) همسو بود.

در تفسیر یافته‌های این مطالعه می‌توان گفت که بسیاری ابعاد و مولفه‌های دل بستگی کودکان به موقعیت و شرایط تهدیدی بسته به موقعیت و شرایط تهدیدی که در روایت وجود داشت، تغییر می‌کرد و از آنجا که این کودکان همگی دارای خواهر یا برادر و پدربزرگ و مادربزرگ یا هر دوی آنها بودند، بیان پیچیدگی و تنوع در سبک دل بستگی به شرایط تهدید خاص، طبیعی است. برخلاف کودکان ایمن که حتی در شرایط احساس گناه در مقابل والدین،

جایگزین دیگری بازنمایی نکرده‌اند، بسیاری از کودکان اجتنابی برادر یا مادر بزرگ و پدر بزرگ را تعدیل‌کننده هیجان منفی و دل‌داری‌دهنده بازنمایی کرده‌اند. وجه مشترک و بارز کودکان اجتنابی در تکمیل بدنه روایت، فرار از موقعیت و نتایج حاصل از تصمیم و عدم مواجهه با تعارض است که در سطح قبلی ارزیابی چه در بیان و چه در عملکرد کودک مشهود است. فراوانی پاسخ‌ها در این کودکان بیانگر این است که در صورت وجود شرایط تهدیدی که در آن احساس گناه و شرم وجود دارد و خود والدین سرزنشگران احتمالی واقعه هستند بیش از نیمی از کودکان ایمن حتی با وجود این شرایط، مادر را هنوز پایگاه امن بازنمایی می‌کنند و هیچ جایگزین دیگری را به‌عنوان پایگاه امن نمی‌پذیرند. بقیه کودکان نیز با وجود پناه نبردن به مادر به‌عنوان پایگاه امن به فرد دیگری نیز رجوع نکرده و بازنمایی ذهنی از منابع دل‌بستگی به جز منابع اصلی ندارند. در چنین موقعیت‌هایی به نظر می‌رسد که امنیت در غالب مادر کودکان است و فقط برای اندکی از کودکان، پدر بزرگ و مادر بزرگ پایگاه دل‌بستگی ایمن بودند.

همچنین، فراوانی‌ها نشان می‌دهد که هیچ یک از افراد خانواده (پدر بزرگ و مادر بزرگ) برای کودک نقش منفعل و بی‌تفاوت را تداعی نمی‌کنند و کودکان به وضوح بیان می‌کنند که همه افراد خانواده به نوعی حامی و پذیرنده عواطف هستند و احساس گناه و شرم را در او طولانی نکرده و شرایط را برای جبران اشتباه یا کمک به کودک برای حل تعارض ایفا می‌کنند. بیش از نیمی از این کودکان هیچ نشانی از وجود شخصیت تهدیدکننده یا سرزنشگر در بازنمایی‌های ذهنی خود ندارند. این مسئله در حالی است که تعارض داستان در سطح قبلی ارزیابی به خوبی توسط این کودکان درک و احساس گناه یا شرم را در کلام یا بدن و یا هر دو بروز داده‌اند. در صورت وجد شرایط تهدیدی که در آن احساس گناه و شرم وجود دارد، خود والدین سرزنشگران احتمالی واقعه هستند و کودکان دل‌بسته ناایمن اجتنابی قید پناه بردن به افراد را می‌زنند. افزون بر آن، بسیاری از این کودکان حتی در زمان تجربه درد و ترس ناشی از آسیب بدنی نیز مادر و پدر را پایگاه امن بازنمایی نمی‌کنند و نقش کم رنگ پدر بزرگ و مادر بزرگ در بازنمایی‌های ذهنی کاملاً مشهود می‌باشد.

هر پژوهشی در هنگام اجرا با محدودیت‌هایی مواجه است و از محدودیت‌های این مطالعه می‌توان به تاثیر همه‌گیری کووید-۱۹ بر هماهنگی با والدین، کودکان و مدارس به‌عنوان یک چالش بزرگ پژوهشی اشاره کرد. پیچیدگی‌های مربوط به مصاحبه، پیاده‌سازی و کدگذاری داده‌ها به آموزش، تخصص و زمان زیادی نیاز داشت به‌ویژه در این مطالعه که حجم نمونه بالا بود. جامعه این مطالعه محدود به کودکان دل‌بسته ناایمن اجتنابی و مربیان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شهر تهران بود که تحت پرسشنامه خودگزارشی و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته قرار گرفتند و این ابزارها خود دارای محدودیت‌هایی می‌باشند. بنابراین، در تعمیم یافته‌ها باید محدودیت‌ها مورد توجه قرار گیرد و برای جبران این محدودیت‌ها پروژه‌های تحقیقاتی جامع‌تری صورت پذیرد. انجام یک مطالعه فرهنگی دقیق مختص ایران، انطباق ابزار با شرایط محلی را تسهیل می‌کند و تاثیر خرده فرهنگ‌ها بر روابط دل‌بستگی را مشخص می‌سازد. پیشنهاد پژوهشی دیگر انجام پژوهش‌های بیشتر در سایر فرهنگ‌ها و شهرهای ایران و حتی بر روی کودکان سایر گروه‌ها می‌باشد. نتایج این مطالعه دارای تلوپحات کاربردی بسیاری برای سازمان‌هایی است که با کودکان سروکار دارند که از جمله آنها می‌توان به خود خانواده، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، نظام آموزش و پرورش و غیره اشاره کرد. بنابراین، با ارائه کارگاه‌های آموزشی مناسب و کاربردی می‌توان نقش پدر بزرگ و مادر بزرگ را در ترمیم امنیت دل‌بستگی کودکان دل‌بسته ناایمن اجتنابی بهبود بخشید.

## تشکر و قدردانی

بدین‌وسیله از همه کسانی که سهمی در انجام این مطالعه داشتند، تشکر و قدردانی می‌شود.

## References

- Alizadeh Z, Janbabaie A Sahebi SA. (2023). The effectiveness of Friends training program on executive activity and self-control of children with attention deficit/hyperactivity disorder. *Psychological Dynamics in Mood Disorders*, 2(2), 21-29. (Persian)
- Cassioli E, Rossi E, Vizzotto C, Malinconci V, Vignozzi L, Ricca V, Castellini G. (2022). Avoidant attachment style moderates the recovery of healthy sexuality in women with anorexia nervosa treated with enhanced cognitive behavior therapy (CBT-E): A 2-year follow-up study. *The Journal of Sexual Medicine*, 19(2), 347-355.
- De With J, Korver-Nieberg N, De Haan L, Schirmbeck F. (2023). The association between attachment style and social functioning in patients with non-affective psychotic disorders, unaffected siblings and healthy controls. *Schizophrenia Research*, 252, 96-102.
- Deneault AA, Bureau JF, Yurkowski K. (2022). Do child-father and child-mother preschool insecure attachment types predict the development of externalizing behaviors in boys and girls during middle childhood? *Developmental Psychology*, 58(7), 1360-1370.
- Donisi V, Perlini C, Mazzi MA, Rimondini M, Garbin D, Ardenghi S, et al. (2022). Training in communication and emotion handling skills for students attending medical school: Relationship with empathy, emotional intelligence, and attachment style. *Patient Education and Counseling*. 105(9), 2871-2879.



- Ekhlesi S, Sobhi Gharamaleki N, Tajeri B. (2022). Comparison the causes of celibacy and delay in marriage among male and female students, with emphasis on their attachment styles. *Psychological Dynamics in Mood Disorders*, 1(1), 36-45. (Persian)
- Elling C, Forstner AJ, Seib-Pfeifer LE, Mucke M, Stahl J, Geiser F, et al. (2022). Social anxiety disorder with comorbid major depression – why fearful attachment style is relevant. *Journal of Psychiatric Research*, 147, 283-290.
- Finzi-Dottan R, Cohen O, Iwaniec D, Sapir Y, Weizman A. (2006). The child in the family of a drug-using father: Attachment styles and family characteristics. *Journal of Social Work Practice in the Addictions*, 6(1-2), 89-111.
- Fuchs NF, Taubner S. (2019). Exploring the interplay of attachment style and attachment-related mood on short-term change in mentalization: A pilot study. *Personality and Individual Differences*, 144, 94-99.
- Goudarzi S, Masoud Lavasani Gh, AmiriMajd M. (2021). Comparison of the effectiveness of family therapy program based on attachment and emotion on anxiety disorder and behavior of gifted adolescents. *Iranian Journal of Educational Sociology*, 4(1), 105- 115.
- Handelzalts JE, Levy S, Molmen-Lichter M, Ayers S, Krissi H, Wiznitzer A, Peled Y. (2021). The association of attachment style, postpartum PTSD and depression with bonding- A longitudinal path analysis model, from childbirth to six months. *Journal of Affective Disorders*, 280(1), 17-25.
- Herrero-Fernandez D, Redondo I, Parada-Fernandez P, Oliva-Macias M, Rohwer H. (2020). Distal predictors of trait driving anger. The influence of attachment styles through the mediation effect of general anger and self-esteem. *Transportation Research Part F: Traffic Psychology and Behavior*, 73, 382-390.
- Jamali SKh, Kafi SM, Aboulghasemi A, Akbari B. (2023). Comparison the effectiveness of teaching choice theory and inquiry philosophy on social competence and goal orientation of labor children. *Sociology of Education*, 9(2), 37-48. (Persian)
- Malekzadeh A, Namvar H, Jomehri F. (2020). Predicting social skills in single child adolescents based on attachment styles and creativity: The mediating role of moral intelligence. *Iranian Journal of Educational Sociology*, 3(2), 1-10.
- McMahon G, Creaven AM, Gallagher S. (2021). Cardiovascular reactivity to acute stress: Attachment styles and invisible stranger support. *International Journal of Psychophysiology*, 164, 121-129.
- Myerson JT, Thomas JK, Rufino KA, Noor N, Patriquin MA. (2023). Relationship between parental attachment styles and suicide in adolescents and adults admitted to an inpatient psychiatric hospital. *Journal of Affective Disorders*, 341, 170-175.
- Norouzi D, Ahmadi M. (2022). The relation of attachment styles and parental warmth to child depression: The mediating role of self-esteem. *Journal of Development Psychology: Iranian Psychologists*, 18(71), 309-320. (Persian)
- Syahmansoori A, Yoldashuf O. (2022). Predicting students' social adjustment and academic achievement based on parenting attachment styles. *Journal of Counseling Research*, 20(80), 236-284. (Persian)
- Tabachnick AR, He Y, Zajac L, Carlson EA, Dozier M. (2022). Secure attachment in infancy predicts context-dependent emotion expression in middle childhood. *Emotion*, 22(2), 258-269.
- Tajali M, Baseri A, Asadzadeh H. (2023). Comparing the effectiveness of play therapy and problem solving training on responsibility, distress tolerance and adjustment of 5-7-year-old children. *Sociology of Education*, 9(2), 207-218. (Persian)
- Tamman AJF, Wendt FR, Pathak GA, Krystal JH, Montalvo-Ortiz JL, Southwick SM, et al. (2021). Attachment Style Moderates Polygenic Risk for Posttraumatic Stress in United States Military Veterans: Results From the National Health and Resilience in Veterans Study. *Biological Psychiatry*, 89(9), 878-887.
- Zhang X, Deng M, Ran G, Tang Q, Xu W, Ma Y, Chen X. (2018). Brain correlates of adult attachment style: A voxel-based morphometry study. *Brain Research*, 1699, 34-43.